

الگوسازی زنان در قرآن کریم

زهره ملکی*

چکیده

انسان در وجود خود بصورت همیشگی رو به سوی کمال دارد و در تکاپوی صعود به مدارج کمال و تعالی است. در این راستا، یکی از مؤثرترین نیروهای فطری آدمی، میل به تقلید و اسوه پذیری و یکی از امکانات، سیره و تجربه کمال یافتگان است. زنان نیز به عنوان نوع انسانی، به دنبال اسوه و الگویی برای خود هستند. از این رو، شناخت و معرفی الگوها و مربی های شایسته در تربیت این قشر از جامعه، امری ضروری است و در تربیت آنان تأثیر فراوان دارد. به نظر نگارنده، یکی از نیازهای فطری انسان، حس الگوخواهی و تقلیدپذیری است. .

مقاله حاضر با عنوان "الگوسازی زنان در قرآن کریم" و با هدف شناسایی این نیاز فطری و ضرورت معرفی الگو به نگارش در آمده است و در انتها نیز پس از بیان ضرورت وجود الگو برای زنان به معرفی بانوان اسوه با استفاده از آیات و روایات پرداخته است.

لذا زنان به عنوان نیمی از افراد جامعه، نیازمند معرفی الگوهایی شایسته هستند تا از این طریق بتوانند به این خواسته درونی خود پاسخ داده و سهم عظیمی از تربیت صحیح آنان داشته باشد.

کلیدواژه : الگو، تربیت، انسان، زن مسلمان.

* رتبه علمی سطح دو حوزه علمیه امام خمینی (ره) _کرمانشاه

قرآن کریم ابعاد مختلف زندگی زنان را مورد توجه قرار داده است و می‌کوشد در قالب داستانها و تمثیل‌ها شیوه زندگی درست یا نادرست را به زنان هر جامعه نشان دهد تا زنان علاوه بر دریافت تجربه از پیشینیان، عبرت‌آموزی را نیز پیشه زندگانی خود سازند. ازاین‌رو، قرآن برای به کمال رساندن استعدادهای زنان، به ارائه نمونه‌هایی می‌پردازد تا ایشان با قدم نهادن در آن مسیر، راه سعادت را با اطمینان بپیمایند. الگوسازی برای ایجاد یا تغییر رفتار، فرایند تربیت را با سهولت بیشتری انجام می‌دهد. قرآن با بیان سرگذشت تلخ و شیرین از زنان نام‌آشنای تاریخ و تمجید ضمنی جنبه‌های مثبت و تقبیح مظاهر منفی رفتار آنان، زنان را به پیروی از الگوهای شایسته فرا می‌خواند و آنان را از پیمودن راه ناصواب نمونه‌های ناپسند برحذر می‌دارد.

جستجویی در پیشینه موضوع این مقاله نشان می‌دهد مطالب فراوانی در این باره به نگارش درآمده و اندیشمندان فراوانی حضرت زهرا را اسوه و الگوی کامل و بی‌بدیل برای زنان مسلمان معرفی نموده‌اند. این نوشته‌ها الگو بودن ابعاد فکری و رفتاری ایشان را مورد بررسی قرار داده‌اند. کتاب‌هایی است که به صورت داستان و به شکل نقل تاریخ در مورد زنان مطرح در قرآن کریم نوشته شده است؛ مانند کتاب‌های «زن در قرآن» و «نساء مثالیات».

بخش دیگری از نوشته‌ها، برخی از جلوه‌های رفتاری زنان را بررسی نموده‌اند. مانند کتاب‌های «زن در آئینه جلال و جمال» و مقاله «زن و سیاست».

بخش دیگری از کتاب‌ها به بررسی ابعاد الگویی زنان در قرآن و اسلام پرداخته اند و سرگذشت بعضی از زنان شاخص اسلام نیز مورد توجه قرار گرفته است. مانند کتاب‌های «بررسی تاریخی منزلت زن از دیدگاه اسلام» و «درس‌هایی از زندگی زنان نامدار».

این پژوهش نیز به زاویه‌های دیگری از الگوسازی زنان در قرآن می‌پردازد. و سعی بر آن است که آیات کریمه قرآن را مورد دقت و بررسی عمیق قرار داده و تا حد امکان مجموعه کامل‌تری را نسبت به پژوهش‌های قبلی ارائه کند. و با تحلیل زنان مورد اشاره در قرآن کریم، الگویی جامع را در ابعاد گوناگون اعتقادی، اخلاقی، تربیتی، و اجتماعی برای پرورش زنان مسلمان و تبدیل آنان به انسان کامل به نمایش گذارد.

امید است که دانش پژوهان و محققان گرامی با بهره‌گیری از این پژوهش، در ترسیم مسیر زندگی بر اساس الگوهای قرآنی، روشن‌گر راه پر پیچ و خم زندگی اقشار مختلف باشند و نتیجه‌ی تلاش علمی شایسته‌ی آنان در این زمینه حیات طیبه را برای بشریت به ارمغان آورد. در هر حال، بیان الگوهای تربیتی قرآن برای دختران مسلمان و حتی غیرمسلمان، راهکاری بسیار مؤثر در تربیت زنان و مادران آینده جامعه خواهد بود.

الگو (pattern)

تعریف‌های گوناگونی دارد از جمله به معنای مدل، گونه، هنجار است. (آلن بیرو، 1375، ص 260)

الگو به افراد انسانی کامل و رشد یافته ای که لیاقت سرمشق بودن دیگران را دارند اطلاق می گردد. (

فرهنگ علوم رفتاری، ص 275)

الگو به طرح و نمونه ای از شکل یا اشیاء و موردی از رفتار اطلاق می شود... با کلمه الگو می توان ساخت بدنی و جسمانی، ساخت رفتار، ساخت داده ها را مشخص کرد. (حسینی نسب، 1375، ص 634)

در فرهنگ اسلامی برای این تعاریف به طور مشخص از واژه "اسوه" استفاده شده است. که به معنای "قدوه" و "مقتدا" است. (الطریحی، 1408 ق، ج 1، ص 76)

اسوه: پیشوا، مقتدا، قدوه، پیشرو، پیروی، پسروی، خصلتی که شخص بدان لایق مقتدایی و پیشوایی گردد و... (دهخدا، ج 2، ص 2196) اسوه، حالتی است که انسان به هنگام پیروی از غیر خود پیدا میکند و برحسب اینکه پیروی از چه کسی باشد، ممکن است اسوه نیک یا بد برای انسان فراهم آید.

قدوه: پیشوا، مرجع، مقتدا. (دهخدا، ج 10، ص 15406).

مقتدا: آنکه به او اقتدا کنند، آنکه مردم پیروی او کنند؛ یعنی پیشوا، پیشنماز، امام جماعت. (دهخدا، ج 13، ص 18817).

وجه اشتراکی که در معانی اشاره شده وجود دارد، معنای پیشوا و مقتداست؛ یعنی فردی که به دلیل ویژگی ها و خصوصیاتش، صلاحیت تبعیت و پیروی را به دست آورده است.

قرآن کریم نیز ضمن استفاده گسترده از الگوسازی، مردم را از تقلید ناآگاهانه و غیر مبتنی بر برهان، بر حذر داشته است: وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ. (بقره: 170)

و چون به آنان گفته شود از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید، می گویند نه، بلکه از چیزی که پدران خود را بر آن یافته ایم پیروی می کنیم. آیا هرچند پدران شان چیزی را درک نمی کرده و به راه صواب نمی رفته اند؟ با توجه به مطالب بیان شده، می توان گفت الگوسازی در قرآن کریم عبارت است

از: «ارایه الگوی متناسب به انسان از راه به تصویر کشیدن سرگذشت پیشینیان و اختیار آگاهانه آن به منظور پیروی، برای به کمال رسانیدن استعدادهای درونی».

نیاز زن مسلمان به الگوی بی بدلیل

در بحث الگوخواهی و الگوسازی، پس از اثبات اصل این نیاز و فراگیری و تأثیر بخشی آن، باید به معرفی الگوهای شایسته پرداخت. کتب آسمانی و چهره کامل آن، قرآن کریم، این زمینه غریزی و فطری آدمیان را غنیمت شمرده و همواره در کنار رهنمودهای خویش و در مسیر رسالت هدایت گری خود، نمونه های عینی و الگوهای تجربه شده بشری را پیش چشم آنان نهاده و به ترسیم و شناسایی سیمای انسان های کامل پرداخته، تا بدین گونه افراد، راه تکامل را پیموده و به مقصد برسند. پیامبر اسلام حضرت محمد مصطفی برای همه مسلمان ها، بلکه برای همه انسانها الگوست و در این اصل، میان زن و مرد فرقی نیست. با این وجود، خلق و خوی ویژه زنانه و مسئولیت هایی که در نظام خلقت بر دوش آنان نهاده شده، ایجاب می کند که زنان، الگوی مطلق و اسوه ای بی بدلیل از جنس خود داشته باشند تا بتوانند تمام آنچه عقول و عقلا از جنس "زن" انتظار دارند و قرآن و سنت نیز مؤید آنهاست، در راه و رسوم و سیره اخلاقی و اجتماعی و خانوادگی او بنگرند و از او پیروی کنند.

1 - تربیت اعتقادی و عبادی زنان در قرآن به شیوه الگوسازی

قرآن کریم، هدف از آفرینش انسان را عبادت خدا دانسته و از راه بندگی، وی را به رسیدن به کمال

دعوت نموده است. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: 56)

و أبونا شیخ کبیر (القصص: 23). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید: وقتی موسی به آب مدین رسید، در آن‌جا جماعتی را دید که به گوسفندان خود آب می‌دادند و در نزدیکی آن‌ها دو زن را دید که از نزدیک شدن گوسفندان به آب جلوگیری می‌کردند. حضرت موسی از راه استفسار سؤال کرد که چرا مردی همپای گوسفندان آن‌ها نیست؟ و آنان جواب دادند: ما عادت‌مان این است که گوسفندان را آب نمی‌دهیم تا دیگران فارغ شوند و پدرمان پیرمردی سالخورده است و خود نمی‌تواند متصدی این کار باشد، از همین‌رو ما این کار را می‌کنیم (طباطبایی، (1386) ج 16، ص 23)

از این آیه نکات متعددی بدست می‌آید: اول اینکه باید کم و گزیده سخن گفت؛ و بهتر آن است که کلمات به گونه‌ای انتخاب شود که حاوی مطالب مناسب و برخاسته از فرهنگ و بینش باشد. دختران حضرت شعیب با سخن خود بی‌رغبتی و پرهیز از برخورد با مردان اجنبی و نیز علت حضورشان را برای این کار بیان نمودند و بدون سخن پردازی و درد دل و سخن گفتن از مشکلات روزگار پاسخ کافی را دادند. نکته دیگر اینکه از جست و جو در احوال نامحرم باید اجتناب کرد؛ ایشان شناسایی حضرت موسی را بر عهده‌ی پدر گذاشتند و خود در این زمینه سؤال ننمودند. آنان در امور سرپرستی پدر دخالت نکردند و هنگامی که حضرت موسی را برای چوپانی صالح تشخیص دادند؛ فقط به پدر پیشنهاد نمودند تا اگر او صلاح می‌داند، اقدام کند. در روایت آمده است که حضرت موسی از جلو حرکت می‌کرد و دختران شعیب از پی او می‌رفتند که این کار نشانه رعایت احتیاط است و به تقوا نزدیک‌تر است.

5-2- الگوی پذیرش حق

قرآن کریم در این زمینه ملکه‌ی سبأ را معرفی می‌نماید. وقتی مشاوران اعلان آمادگی برای جنگ کردند (النمل: 33) او بهترین تصمیم را گرفت (النمل: 34)؛ و سلیمان را با ارسال هدایای گران‌بها آزمود (النمل: 35) تا ثابت شود که او شاه است یا پیامبر الهی. زیرا پادشاهان به هدایای گران‌بها علاقه‌ی شدید داشته و نقطه‌ی ضعف آن‌ها همین جاست.

و آن‌گاه که پاسخ مقتدرانه‌ی سلیمان را شنید: ﴿... أتمدّون بملأءاتان الله خیر ممّا ءاتاکم بل أنتم بهدیتکم تفرحون﴾ (النمل: 36) ؛ ... آیا مرا به مالی کمک می‌دهید؟ آن‌چه خدا به من عطا کرده، بهتر است از آن‌چه به شما داده است. [نه،] بلکه شما به ارمغان خود شادمانی می‌نمایید؛ به گونه‌ای قابل توجه و منطقی پرده‌های کفر را کنار زد و به فطرتش باز گشت و با وجود شخصیت و موقعیت خاصی که داشت ایمان و هدایت را ارزنده‌تر از ظواهر مادی و طبیعی شمرد و دور از هرگونه غرور لب به اعترافی زیبا گشود: ﴿ربّ ائی ظلمت نفسی﴾ (النمل: 44) و با دیدن یکی از مظاهر مادی، به مظهراتم زیبایی یعنی کمال و جمال الهی پی برد و نه تنها تمنای این ظواهر را برای خویش نکرد، بلکه به درون و باطن خویش نگریست و حقارت و عجز خویش را دریافت و به عظمت و قدرت الهی پی برد (منیر گرجی، نگرش قرآن بر حضور زن در تاریخ انبیا، ص 23) و تسلیم فرمان و دعوت حضرت سلیمان شد: ﴿...أسلمت مع سلیمان لله ربّ العالمین﴾ (النمل: 44) قرآن اقرار و تسلیم بلقیس را به تصویر کشیده است و حق‌طلبان را دعوت نموده که همانند ملکه سبأ دعوت حق را لبیک گفته و بدون چون و چرا تسلیم شوند.

نتیجه گیری

از آنچه بیان شد به دست می آید که: تربیت از مهمترین اموری است که در حیات بشر مطرح بوده و هست و عواملی چند در آن تأثیرگذار است. یکی از روشهای تربیت انسان، روش الگوسازی است؛ چرا که ریشه در نهاد انسان داشته و از فطریات اوست. از سوی دیگر، انسان، میل به کمال مطلق دارد و همواره در پی صعود به مدارج عالی انسانی است و برای رسیدن به مقصود، راههایی را پیش می گیرد تا آسانتر آن را سیر کند. دیدن تکامل دیگران و صعود آنها به قله های کمال، انسان را به تقلید از آنان و می دارد. با این تصور، الگوپذیری به صورت واکنشی درونی و روانی بروز می یابد و انسان را به هماهنگی با آنان و الگوپذیری رهنمون می شود. این میل درونی اقتضا می کند زنان که نیمی از جامعه انسانی اند، نیازمند معرفی الگوهای نمونه ای باشند تا با پیروی از سیره آنان راه کمال را در پیش گیرند.

بررسی آموزه های دینی نشان می دهد که اسلام اسوه های فراوانی برای زنان معرفی کرده است و آنان را به پیروی از آنان فراخوانده است. در میان این الگوها، برترین الگو و سرآمد، حضرت زهرا است؛ زیرا آنچه ایشان را الگوی برتر قرار داده، انسان کامل بودن اوست و معرفی انسان کامل و توصیف ویژگیهای انسانهای ملکوتی در آموزه های دینی، برای الگودهی مناسب در طریق سعادت است. حضرت زهرا اسوه نمونه ای است در مصداق انسان کامل؛ زیرا ایشان از زمره عترت رسول الله و از ذوات طاهره معصومینی است که همگی جلوه تام - الهی اند و ولایت آنان، از جمله حضرتش بر تمام آفریدگان جاری است.

منابع:

1- قرآن کریم

2- (آلن بیرو، 1375، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، کیهان)

3- (شعاری نژاد، علی اکبر، 1375، فرهنگ علوم رفتاری، موسسه انتشارات امیرکبیر)

4- (داود حسینی نسب و اصغرعلی اقدم، 1375، فرهنگ تعلیم و تربیت، تبریز، انتشارات احرار)

5- (فخرالدین الطریحی، 1408 ق مجمع البحرین، بیجا، مکتب النشر الثقافه الاسلامیه)

6- (دهخدا، علی اکبر، 1373، لغت نامه، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.)

7- (ناصر مکارم شیرازی با همکاری جمعی از نویسندگان، 1362، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب

الاسلامیه، ج 24 و 13.)

8- (الزمخشری، محمود، 1987 م، الکشاف عن حقائق التنزیل. بیروت: دار الكتاب العربی، ج 4.)

9- (گرجی، منیر، 1376، نگرش قرآن بر حضور زن در تاریخ انبیاء، سازمان تبلیغات اسلامی.)

10- الحویزی، العبد علی العروسی، 1415 ق، تفسیر نورالثقلین، تحقیق: السید هاشم الرسولی المحلاتی،

قم، اسماعیلیان، ج 4.)

11- (طبرسی، ابی علی الفضل، 1406 ق، تفسیر مجمع البیان، بیروت، دارالمعرفه، ج 2 و 4)

12- (معلوف، لويس، المنجد فی اللغة، 1373، بیروت لبنان، دارالمشرق)

13- (طباطبائی، محمد حسین، 1386، تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم،

ج 20)

14- (ابن فارس، أبو الحسن، معجم مقائیس اللغة، 1404 ق، قم، حوزه علمیه مرکز تبلیغات اسلامی ج

(5)

15- (راغب اصفهانی، حسین بن محمد، 1395، مفردات الفاظ القرآن، انتشارات ذوی القربی)

16- (طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین فی تفسیر القرآن، 1375، تهران، مکتبه المرتضویه)

17- (سبحانی، جعفر، 1373، فرازهایی از تاریخ اسلام، تهران، نشر مشعر)

18- (منیر گرجی، نگرش قرآن بر حضور زن در تاریخ انبیا، ص 23)